

تاریخ ادبیات ارمنی

بخش پنجم

ترجمه و تالیف ادیک باغداساریان

(ا.گرمانیک)

ادبیات ارمنی در سده های ۱۶-۱۳

سده های ۱۶-۱۳ یکی از دوره های مهم تاریخ ادبیات ارمنی است. در این سده ها ادبیات دنیوی بزبان ارمنی میانه پیدایش یافته و ترقی می کند. در نیمه اول سده سیزدهم اوباش و چپاولگران مغول به کشور رخنه کردند. مغولها ارمنستان را اشغال نموده ضربات سنگینی به حیات اقتصادی و سیاسی کشور وارد ساختند. تاریخنویسان ارمنی با جزئیات تکان دهنده، مصائب و بلاهای وارده بر مردم، کشتارهای جمعی، خراجهای سنگین، غارت و چپاول ها را تشریح نموده اند.

گیراگوس گانزاکتسی یا **گنجه ای** مورخ شاهد بر وقایع در مورد شقاوت های مغولان می نویسد: "به اشکهای مادران بی اعتنا بوده، به پیران رحم نمی کردند، با خوشی و شعف به کشتار مردم می رفتند، گوئی به عروسی و مجلس عیش و نوش می رفتند. کشور مملو از اجساد کشته شدگان شده و کسی نبود تا آنها را دفن کند".

بوئزه مناطقی از ارمنستان که تحت حاکمیت خاندان **زاکاریان** قرار داشت متحمل بلاهای بسیار گشت.

خود **گیراگوس گانزاکتسی** بار سنگین باجگیران را مفصلا تشریح نموده است. بدین ترتیب او در مورد اعمال و رفتار ارغون باجگیر در ارمنستان در سال ۱۲۵۴ چنین نوشته است:

«از همه خراج بسیار، بالاتر از حد توان افراد می خواستند و سپس آنگاه که آنان تبدیل به مسکینان شدند، ایشان را با انواع شکنجه ها و مشقات مورد ایذا و اذیت قرار می دادند. کسانی را که مخفی می شدند، گرفته و میکشند و فرزندان کسانی را که قادر به پرداخت مالیات نمی شدند در عوض به یغما می بردند... اما صاحبان روستاها و ایشخانها با در نظر گرفتن منافع خود برای اذیت مردم و انجام خواستهها مغولان با آنها همکاری می کردند».

در دوران سلطه مغولها، حکومت ارمنی کیلیکیه و یک رشته شهرها واقع در غرب و جنوب ارمنستان از جمله یرزنکا، سیاستیا، آمد و غیره، شهرهایی که بر سر راه جاده هایی که از سواحل مدیترانه ای کیلیکیه بطرف ایران و هندوستان کشیده می شد واقع بودند، در وضعیت نسبتا خوبی از نظر اقتصادی و سیاسی قرار داشتند. قراردادی که **هتوم اول** پادشاه ارمنی کیلیکیه با مغولها منعقد نمود کمک شایانی به این امر نمود. بر طبق این قرارداد دو حکومت در هنگام جنگ ملزم به کمک یکدیگر بودند. استقلال ارمنیان در کیلیکیه چه در سده دوازدهم و چه در سده های ۱۴-۱۳ یکی از عوامل مهم در ترقی زندگی اقتصادی و فرهنگی بشمار می رفت.

در اواخر سده ۱۴، در اثر جنگهای ممتد و نابرابر مقابل مملوکهای مصری، حکومت ارمنی کیلیکه منقرض می گردد. پس از لشکرکشی وحشتناک و مصیبت بار تیمور لنگ، در سده چهاردهم ارمنستان نخست تحت سلطه حکام ترکمن قره قویونلو و سپس آق قویونلو می افتد اما در سده شانزدهم ایران و حکومت جدید التاسیس ترکها ارمنستان را میان خود تقسیم می کنند. این حکومت ها جنگهای پی در پی انجام میدهند و اکثرا پهنه خاک ارمنستان صحنه این درگیری ها بود. عواقب عادی این جنگهای ممتد، ویرانی وحشتناک، کشتارها، چپاول و مهاجرت اجباری توده های مردم بود. در نتیجه تمام اینها و از هم پاشیدگی زندگی اقتصادی جلای وطن و رهسپاری به دیار غربت به اندازه زیادی افزایش می یابد.

این اوضاع وخیم در سراسر سده های میانه تداوم یافت.

ملت ارمنی در دوران اسفناک سده های ۱۵-۱۳ متحمل زبان های فراوانی گردید لیکن هرگز روحیه شکست را به خود راه نداده بطور ممتد با سلطه خارجی و استثمار فتودالی مبارزه کرده و زندگی فکری فرهنگ مردم هرگز ننگست. یکی از دلایل اثبات این امر را باید این دانست که قسمت مهمی از حداقل ۳۰ هزار متون خطی ارمنی که داداری ارزش فراوانی برای فرهنگ جهانی است، از همین دوران بدست ما رسیده است.

در سده های ۱۶-۱۳ مبارزه بر علیه کلیسا و بطور کلی فتودالها (بومی یا خارجی) در بین جامعه ارمنی ادامه می یابید. این مبارزات نیز در تحت لوای دین انجام می گردید. مثلا گیراگوس گنجه ای راجع به واقعه ای بسیار جالب در سال ۱۲۵۰ صحبت می کند. **داویت** شخصی از روستای زار در حوالی دریاچه سوان که آسیابان بود اظهار می دارد که مسیح در خواب بر او ظاهر شده و گفته است از دنیا برگرد و طبابت کن. وی عده ای هواخواه گرد خود جمع می کند که ایشان او را "معجزه گر" می نامند. بدین ترتیب او دارای نفوذ زیادی در بین روستائیان گشته و آنها را بدنبال خود بر علیه کلیسا می شوراند. روحانیون با وارتابدها برای دستگیری و تنبیه **داویت** شور می نمایند، لیکن روستائیان قاطعانه مقاومت می کنند و وارتابدها غضبناک و لعن گویان دور می شوند. پس از آن افرادی پیدا شده به داویت خیانت می کنند و او را دستگیر نموده به وارتابدها تحویل می دهند، لیکن بر سر راه روستائیان ده **گارفی** با مقاومت در برابر آنها داویت را از دست سیاهپوشان نجات می دهند.

بنابه نوشته مورخ، داویت در برابر مردم چنین می گوید: "من از دودمان آرشاگونی هستم و فرزندان من باید یکی پادشاه و دیگری جاثلیق گردند". اگر این مطلب را در نظر گیریم که این جنبش در دوران تسلط مغول بوقوع پیوسته است روشن می گردد که مبارزه فرقه ای مثل قرن ۱۱ اهداف سیاسی-آزادبخش نیز داشته است.

نشانه ها و اسنادی در باره وجود جنبش های دیگر دهقانی در ارمنستان موجود است. مبارزه بر علیه فتودالها در بین اهالی شهرها نیز توسعه می یافت بویژه در غرب ارمنستان و در پهنه

حکومت کیلیکیه بخشی از خاندانهای فئودالی ارمنی در این دوران نابود شده یا از ضربات مغولها و یا از شرایط داخلی زندگی اقتصادی از هم پاشیده بود. کلیسا بعنوان قویترین حامی فئودالیت (بجز اشغالگران خارجی) باقی مانده بود لذا مبارزه بر علیه کلیسا قوی تر می گردد.

ادبیات و فرهنگ

در سده های ۱۶-۱۳، رشد فعالیت اجتماعی مردم تاثیر خود را بر ترقی ادبیات هنری نهاد که بصورت پیشرفت عقاید و آراء ضد فئودالی در محتوای ادبیات متحد گردید. البته ادبیات کلیسایی-مذهبی متوقف نگشت ولی افت شدیدی از نظر کیفیت هنری متحمل گردید و نتوانست در این زمینه چهره های کم و بیش مشهوری ارائه دهد. بسیاری از شعرای برجسته شروع به سرودن اشعاری با موتیف های دنیوی مردمی و زربان تکلم مردم یعنی ارمنی میانه نمودند. گرابار یا زبان ارمنی قدیم که پروسه زوال آن حتی از سده هفتم مشهود بود و احتمالا در سده های ۱۱-۱۰ زبانی مرده بحساب می آمد، با ترقی و توسعه زبان ارمنی میانه بیشتر در کلیسا و محدوده ادبی آن باقی ماند.

در قرون مذکور، مخصوصا غزلسرائی و تمثیل نویسی در فولکلور مردمی بیچشم می خورد. در تمثیلهای مردمی سده های میانه ارمنی، اکثرا فئودالهای دینی و دنیوی کلیسا، جهالت، مالپرستی و غیره مورد حمله و انتقاد قرار می گیرد. سرودهای غربت مکان ویژه ای در غزلسرائی به خود اختصاص می دهد. در سایر زمینه های فرهنگ نیز پدیده های برجسته ای بیچشم می خورد. بویژه مینیاتور غنی ارمنی که از لحاظ ترقی و رونقش با کیلیکیه مرتبط بود در این قرون پیشرفت نمود. در این رشته هنری، حتی در تزئین کتب مذهبی نیز زندگی واقعی، تمایلات دنیوی توده ها منعکس شده است. **توروس روسلین، سارگیس پیزاک** و سایرین از نمایندگان برجسته مینیاتور ارمنی هستند برخی از یادگارهای زیبا و معماری ارمنی (**آیروانک، گفارد**) از همین دوره حفظ شده اند.

گروهی از چهره های نامی تاریخنویسی ما از جمله **وارنان، گیراگوس گنجه ای، استپانوس اربلیان، سمبات گوندستابل، هتوم، توما متسویسی** در همین قرون زیسته اند. اکثر مورخین به استثنای نویسندگان برجسته هنری، هنوز به زبان گرابار می نوشتند.

در سال ۱۵۱۲ چاپ ارمنی پا به عرصه حیات می گذارد.

از سده های ۱۵-۱۳ اسامی گروهی از شعرای دنیوی بر ما روشن است. از طریق متون خطی نامهای جدیدتری کشف می شود. مهمترین شعرا عبارتند از: **فریک، گستاندین یرزنگاتسی، هوهانس تلکورانتسی، مگردیچ نقاش، گریگوریس آغتامارتسی، ناهاپت کوچاک، هواساپ سباستیاتسی، نرسی موکاتسی، داویت سالزورتسی، میناس توخاتسی** و سایرین. مشهورترین

چهره نثرنویسی **وارنان ایگتسی** تمثیل نویس است. **خاچاتور کچارتسی**، **آراکل سیوتسی**، **آراکل باغیشسی** و دیگران بطور کلی با موتیف های مذهبی مطلب نوشته اند.

از آثار شعرای سده های ۱۶-۱۳ چنین معلوم می شود که در این دوره توام با عمیق تر شدن تضاد طبقاتی، مبارزه ای که در میان جریانات مختلف فرهنگ پیشرو دمکراتیک قشرهای زحمتکشان و فرهنگ ارتجاعی طبقه استثمارگر از آغاز پیدایش ادبیات موجود بود، در سده های میانه در ادبیات عمیق تر گردید. و بحق که همه شعرای مذکور همگن نبوده و همگی در یک جبهه و موقعیت قرار نداشتند. مثلا اگر فریک، ناهایت کوچاک و دیگران با تمام تضادهای خود، عقاید و آراء اومانستی ضد فئودالی ناشی از زحمتکشان را در اساس کار خود قرار داده باعث رونق آن شده اند، ولی از طرف دیگر، هوانس یرزنکاتسی، خاچاتور کچارتسی، آراکل باغیشسی و سایرین بعنوان مبین و پشتیبان اصول اساسی کلیسا باقی می مانند.

والری بروسف ادیب و شاعر نامدار روس در مورد ادبیات قرون وسطایی ارمنی می گوید: شعر غنایی ارمنی در سده های میانه گویی هیچگونه وابستگی به ادبیات اروپا ندارد. بحق که ادبیات اروپای غربی در سده های ۱۴-۱۳ چه چیزهایی می توانست به آثار غنایی بیخشد، در حالیکه خود تازه در بسیاری از کشورها از جمله ایتالیا ریشه گرفته بود. سپس بروسف بدرستی اظهار می دارد، اینکه ادبیات ایران و یا عرب بر روی شعر ارمنی در سده های میانه اثر گذاشته، بکلی نادرست است. او در تاریخ ادبیات کشورهای شرقی به ادبیات ارمنی اهمیتی مساوی با نوع ایرانی و عربی می دهد.

کستاندین یرزنکاتسی

کستاندین یرزنکاتسی به همراه **فریک**، پایه گذار اشعار بزبان ارمنی میانه محسوب می شود. اگر فریک اولین کسی بود که موتیف های سیاسی و اجتماعی را در ادبیات ارمنی بکار برد، یرزنکاتسی اولین شخصی بود که به غزلسرای عشقی پرداخت. به غیر از آن، کستاندین یرزنکاتسی، تمایلات طبیعت پرستانه را که زمان نارکاتسی شروع شده بود قوی تر و عمیق تر نمود. کستاندین یرزنکاتسی در فاصله بین سالهای ۶۰-۱۲۵۰ در شهر یرزنکا که یکی از مراکز تجاری سده های میانه بود تولد یافت، زندگی یرزنکاتسی تا اواخر نیمه اول سده ۱۴ دوام یافت. در سال ۱۳۳۶ وی هنوز زنده بود. سال وفات یرزنکاتسی معلوم نیست. یرزنکاتسی در ایام نوجوانی وارد یکی از وانک های اطراف زادگاه خود شده و به لباس روحانی در آمد. چنان که پیداست اشعاری را از سن ۱۵ سالگی شروع به نوشتن کرده است. این امر از عنوان یکی از شعرهای او مشخص می گردد: «برخی از روی حسادت از من بدگویی می کنند گویا وی چنین سخن می گوید زیرا مدت زیادی شاگرد وارتابت نبوده است. لیکن شاگردی یک چیز است و غنای روحی چیزی دیگر. حال آنچه من در مورد وقایع عجیب که در سن پانزده سالگی در وانک دیدم برای شما تعریف می کنم، مردی با لباس آفتابی و پر نور دیدم». از محتوای این شعر چنین معلوم می

شود که از برزنکاتسی بعلت نوشتن شعر، غیبت و بدگویی نموده و وی را مورد تعقیب قرار می دادند و متعاقباً او مجبور می گردد شعرش را نتیجه الهام و معجزه ای که وی در وانک دیده بود معرفی کند.

از سایر اشعار معلوم می گردد که روحانیت، برزنکاتسی را آسوده نگذاشته است. شاعر دلیل آزار و ناراحتی های ایجاد شده را به روشنی و به نحو زیبایی توضیح داده است. بنابراین، اهل کلیسا با دیده حسادت و شرارت به برزنکاتسی می نگریست، زیرا وی شبیه خودشان نبود. کستاندین برزنکاتسی که بعنوان نوآوری بزرگ موتیف عشقی و دنیوی را در غزلسرای ارمنی وارد نموده پایگاه اجتماعی خود را به همت افرادی داشت که جهان بینی مسیحی، کلیسایی را نمی پسندیدند.

برزنکایی همگام با جریان مترقی دوران خود پیش می رفت. او با نوشتن در چیزهای دنیوی برخلاف اخلاگری های روحانیون، از تمایلات جدید اجتماعی استقبال نمود. البته برزنکاتسی موتیف های دنیوی را به یک باره ننوشته است. او نیز احساسات اجتماعی داشته و جریان ترقی آثارش را طی نموده است. اشعار نصیحتی او گواه بر این امر است. نمایندگان بعدی غزلسرای دنیوی ارمنی از برزنکاتسی مطالب بسیاری فرا گرفته اند.

وارتان آیگکتسی

وارتان آیگکتسی که بسیاری از مجموعه های خطی و تمثیلهای ارمنی به او منتسب بوده و به ما رسیده اند، در اواخر سده ۱۲ و اوایل سده ۱۳ در کیلیکیه زندگی کرده است. وی در **مارونا** واقع در قصبه **تلوک** تولد یافته در وانک **آرکاگاین** به تحصیل پرداخته است. وی بخشی از زندگی خود را در وانک **آیگک** گذراند و شهرت خود را نیز از همین جا کسب نمود. آیگکتسی بعنوان یک مبلغ در آثارش بویژه در ۲۲ نطقی که بنا به تقاضای شاهزاده **باغدین** نوشته است از سبک تمثیل نویسی بصورت یک نوآوری استفاده کرده است. او پس از مطرح ساختن هر یک از اصول مذهبی-اخلاقی یک تمثیل نیز آورده است. استفاده از تمثیل بر مذاق معاصرین بسیار خوش افتاده است.

با در نظر گرفتن این مطلب می توان تصور کرد که آیگکتسی از این تمثیل های نوشته شده برای نطق ها یک مجموعه مجزا تشکیل داده است. او با سلیقه و استادی بسیار به تنظیم تمثیلات مردمی ارمنی به نگارش تمثیلهای مختص به خود و در عین حال استفاده از ترجمه زبانهای دیگر پرداخته است. بعدها، افرادی که اسامی آنها بر ما روشن نیست به مجموعه تمثیلات آیگکتسی مطالب جدیدی افزوده و یا با پیروی از او به تشکیل مجموعه جدید همت گماشته اند. مجموعه تمثیلهای لطیفه ها و حکایات نوشته یا تغییر و تبدیل (مختصر و یا مفصل) یافته اند. بخشی از این نسخ خطی این مجموعه ها به وارتان آیگکتسی منتسب گردیده است و بخشی دیگر نیز بدون

یادداشت اسم مولف و بخش دیگر «(اسباب بازی اوقات بیکاری)»، هوانس تومانیان («یک قطره عسل»، «فاخته بی آشیانه» و غیره)، آتابک خنگویان و سایرین مورد استفاده و اقتباس قرار گرفته اند.

هوانس تلکورانتسی

پس از کستاندین برزنکاتسی، هوانس تلکورانتسی مشهورترین شاعر سده ۱۴ بشمار می رود. او در دهستان **تلکوران** یا **تولکوران** که در حوالی کیلیکیه واقع بود تولد یافت در مورد زندگی این شاعر اطلاعاتی در دست نیست. اولین بار در متون خطی سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۹۴ با نام و آثارش آشنا می شویم و از اینجا نتیجه گرفته می شود که وی در سده ۱۴ زندگی کرده و ابداع آثار پرداخته است. تلکورانتسی چنان شخصیتی ادبی بود که ۱۶ عدد از اشعار وی در یکی از اولین کتب ارمنی که در سال ۱۵۱۳ در ونیز چاپ شد، جای گرفته بود.

تلکورانتسی بطور کلی سراینده عشق و بهار است. اشعار نصیحتی نیز دارد که گاهی محتوای مذهبی- اخلاقی دارند. فکر و احساس تلکورانتسی از شک و تردید ناشی از تضاد مفاهیم مذهبی و دنیوی یعنی امری که در اشعار برزنکاتسی مشاهده می گردد، میراست. او در سرودهای عشق و بهار خود از زیبایی جهان، نعمات زندگی و عشق سخن می گوید و این عقیده را مطرح می کند که دنیا با نعمات خود برای انسان مافوق و بالاتر از بهشت موعود مذهب مسیحیت است. تلکورانی مواهب بهشتی را در طبیعت با شکوه بهاری، زیبایی زنان و احساسات عاشقانه می بیند. منظومه غنایی- حماسی «سرود لیباریت شجاع» اثر هوانس تلکورانتسی یکی از بهترین نمونه های این سبک ادبی در ادبیات ارمنی قرون ۱۶-۱۳ محسوب می شود.

مگردیچ نقاش

موتیف های اجتماعی در ادبیات ارمنی سده های میانه پس از **فریک** در اشعار مگردیچ نقاش بیچشم می خورند. **نقاش** (به خاطر اینکه وی نقاش بود دارای این لقب گردید) یک روحانی بود. وی در اوایل سده ۱۵ در روستای **بور** در حوالی شهر **باغش** متولد شد. زندگی او تا سالهای دهه ۱۷۰ ادامه یافته و یکی از آخرین اشعار وی در سال ۱۴۶۹ نوشته شده است.

مگردیچ نقاش یکی از شخصیت های تحصیل کرده عصر خود و چهره نامدار اجتماعی بود. بر اساس داده های دیگر، او به نحوی از انحاء سعی در ملایم ساختن استبداد و خودکامگی حکام مستبد خارجی در قبال ارمنیان داشت. بالاخره توسط همین حکام مورد تعقیب و آزار قرار گرفته، سالیان دراز در مناطق گوناگون سیاحت نموده در قسطنطنیه، شهر کفّه (تئودوسیا) کریمه زندگی کرد.

از آثار نقاش تا کنون ۱۲ شعر چاپ شده است که از زیباترین غزل های سده های میانه محسوب می شوند. از حیث بی پروایی و روحیه انتقادی، شعر در باب خست و آزمندی نقاش حائز

اهمیت بسیاری می باشد. به نظر شاعر علت تمام مضار و بلایای انسان از خست و آزمندی وی ناشی می شود.

بر اساس تشریح و توصیف نقاش، این آزمندان در درجه اول پادشاهان و حکام هستند؛ تمام آنها نیز با فریب خوردن از حس آزمندی خود جنگهای خونینی براه انداخته و کشورها را نابود می سازند. روحانیون در درجه بعدی خست قرار دارند. بدین ترتیب انتقادات مگردیچ نقاش متوجه نمایندگان فئودالیتة چه دینی و چه دنیوی است. جالب توجه است که نقاش تمام فساد و افول اخلاقی قشرهای روحانی را از جابلیق گرفته تا پایین ترین رده کشیشان، بیدریغ عربان می سازد. آن اشعار نقاش که زندگی غریب های جلای وطن کرده را تشریح می کند محتوای عمیق اجتماعی دارد. اینها در عین حال مانند سرودهای غنایی مردمی ماهیت وطن دوستانه دارند. باید گفت که این بخش از آثار نقاش با هنر و روح فولکلور مردمی عمیقا" مرتبط است.

شعرایی که با تم غربت حسرت و آرزوی وطن را در سده های میانه بیان نموده اند به همان تعدادی زیاد می باشند که سرایندگان عشق بودند.

غربی که در اشعار نقاش ظاهر می شود، زحمتکشی است که تحت استثمار فئودالها و مستبدان خارجی قرار گرفته و تحت فشار فقر و بالاجبار به امید کسب امکانات بهتری برای زیست جلای وطن نموده به دیار دور دست می رود ولی در منتها درجه بیچارگی و درماندگی در حالیکه آرزوی دیدار خویشان و میهن را در قلب خود می پروراند در کام مرگ اسیر می شود.

گریگوریس آغتامارتسی

تاریخ تولد و مرگ گریگوریس آغتامارتسی معلوم نیست. او بدین علت آغتامارتسی نامیده می شد که در جزیره آغتامار به لباس روحانیت گذران زندگی کرده بود. وی شخصی عالم بوده به نقاشی نیز پرداخته است. از برخی تاریخها که در اشعار او مضبوط است چنین معلوم می گردد که آغتاماری در نیمه اول سده ۱۶ به خلق آثار پرداخته است.

از آثار آغتامارتسی، تاکنون ۱۵ سرود و به اندازه قابل توجهی رباعیات انتشار یافته است. نوشته های آغتامارتسی در مجموعه های متعدد دستنویس نگهداری شده است و این شهرت وی را بعنوان یک شاعر محبوب نشان می دهد.

بخش عظیمی از آثار آغتامارتسی در باب عشق، بهار می باشد اشعار نصیحتی نیز نوشته است که در آنها نوآوری دیده نمی شود و مانند برزنکاتسی و شعرای پیش از خود به مسئله گذرانی وفانی بودن زندگی تاکید دارد. برعکس، در اشعار عشقی و بهاری وی جنبه های واقعی و قابل لمس زندگی و دنیا انعکاسی قوی یافته است. او در مقایسه با تلکورانتسی زیبایی زنانه را با حدت و رنگ خیره کننده تری توصیف کرده و عشق را با احساسات گرم تری مورد مدیحه

سرایبی قرار می دهد. با نکوهش ترس و تقوای مذهبی، او معشوق را زیباتر از فرشتگان و معجزه گر تر از «صلیب مقتدر» می داند.

بهترین آثار گریگوریس آغنامارتسی دارای عبارات و تشریحات برجسته ای از جهان بینی اومانیستی است. آغناماری بر گرابار و ارمنی میانه تسلط داشت. او آشنایی وسیعی با ادبیات شرق داشته است. احتمالاً زبان یونانی قدیم نیز دانسته و آثار جاودانی هومر را مطالعه کرده است.

ناهپت کوچاک

ناهپت کوچاک از چهره های درخشان ادبیات غنایی ارمنی است. بر اساس روایات وی در روستای **خاراکنیس** در حوالی شهر **وان** متولد گردیده و شخصی غیر روحانی بوده است. در مورد وی فقط یک یادداشت و اشاره کتبی و چند روایت روستایی به ما رسیده است. یادداشتی که در آن راجع به شاعر بزرگ صحبت می شود بخش یادداشتهای یک انجیل خطی نوشته شده در ۱۶۳۷ می باشد. در این یادداشت که نوه کوچاک نوشته است باز هم تحت عنوان کوچاک گفته شده است: «کوچاک و همسرش تانگخاتون را بیاد آورید. باز هم از استاد ناهپت پدر بزرگش که لقب کوچاک عاشق داشته است یاد کنید». از این یادداشت بسیار مختصر فقط چنین معلوم می شود که کوچاک شاعر استادی بوده است ولی در مورد زندگی او هیچگونه اطلاعی بدست نمی دهند. کوچاک آنقدر در بین روستاییان محبوبیت داشت که پس از مرگ مزارش تبدیل به زیارتگاه شده بود.

بخش اعظم آثار کوچاک که به ما رسیده است رباعیات تشکیل می دهد. رباعیات کوچاک از نظر مضمون به سه قسمت تقسیم می شود، عاشقانه، نصیحتی و غربت. کوچاک بعنوان سراینده عشق بسیار پرقریحه است. در ادبیات جهانی سده های میانه غزلسرایانی چون کوچاک که احساسات عاشقانه را آنقدر عمیق، زیبا درخشان و رنگارنگ بیان کرده باشند قلیلند.

اومانیسم متضاد زحمتکشان با فئودالیتیه در آثار وی انعکاس گسترده ای یافته است. کوچاک از پیشینیان خود رئالیست تر است. او زن را نه تنها بخاطر ظاهر مجذوب کننده و عینی بلکه احساسات باطنی و روحی اش به تصویر می کشد. در رباعیات کوچاک زن مانند مرد بعنوان شخصی فعال در صحنه واقعی اجتماعی و معیشتی ظاهر گردیده است. تمام اینها در درجه اول مربوط به ارزشهای والای هنری اشعار غنایی هستند. رباعیات او در شرایط سده های میانه، خواننده را باید به سمت دنیای عشق به زندگی پر محبت و انساندوستی رهنمون می شد و این هم مشروط و منوط به مردمی بودن و ماهیت مترقیانه آثار کوچاک است.

کوچاک بعنوان مبین تمایلات زحمتکشان، نفرت و انزجار خود را نسبت به روحانیون و مبلغین مرتجع ابراز می دارد. او بدون تردید و پروا، احساسات دنیوی عشق را با اعتقادات دینی در تضاد می بیند. هر یک از رباعیات کوچاک مبین یک حالت و تمایل روحی است.

آن رباعیات کوچک که از غربت سخن گفته و یا طبیعت پند و اندرز دارند از لحاظ هنری همانقدر ارزشمند هستند که اشعار عاشقانه او می باشند. در این رباعیات اودمکراتیسم و اومانیسیم و بوضوح نمایان است. کوچک با احساس و غم عمیق یک وطن دوست در مورد غریب های زحمتکشی که برای حفظ موجودیت خود مجبور به دوری از وطن شده و در دیار غربت رنج می برند، صحبت می کند. بنظر او بزرگترین بدبختی که انسان می تواند داشته باشد غربت است. کسی که در غربت بسر می برد هر آن اوضاع خود را درپیش روی خود داشته و می گیرد، برای او هیچگونه خوشی وجود ندارد. زندگی او متلاطم و ناپایدار و آینده اش نامعلوم است. کوچک در هر یک از رباعیات نصیحتی فکورانه خود به یک آرمان جامع روح و جسم می دهد. شاعر با مخالفت و برابر تاریک اندیشی قرون وسطایی، کار خلاقانه، تعلیم و تعلم و عقل و شعور انسانی را در رباعیات خود مورد ستایش قرار می دهد. آثار کوچک و سایر شعرای نامی دنیوی ارمنی در سده های میانه به روسی، فرانسه و زبانهای دیگر اروپایی ترجمه شده است.

فریک

فریک اولین شاعر ادبیات ارمنی است که به ارمنی میانه نوشته است. فریک در نیمه دوم سده ۱۳ زیسته است. از برخی اشعارش اطلاعاتی در مورد زندگی وی بدست می آوریم و از اینها مشخص می شود که او غیر روحانی بوده و هیچگونه مناسباتی با کلیسا و روحانیون نداشته است. نام و شهرت اصلی فریک بر ما روشن نیست. فریک نام مستعار شاعر است که در زبان ارمنیان کیلیکیه به معنی گندم نورس سوخته شده، می باشد. بدون شک، او با انتخاب این کلمه بعنوان نام مستعار، میل داشته تا اوضاع اسفناک و نامطلوب روحی خود را بیان نماید. فریک در یکی از اشعارش می گوید:

نه می رویم و نه سبز می شوم،

چون بَدری سوخته ام.

زندگی فریک قرین صلح و آرامش نمی شود. در زمان سلطه مغولها، با غارت شدن از سوی حکام تمام دارایی خود را از دست داده و در بیچارگی و فقر غوطه ور می گردد. فریک نه تنها دارایی اش بلکه خویشانش را نیز از دست داد. او با غمی بی پایان تعریف می کند که چگونه باجگیرها فرزندش را به گروگان می برند زیرا وی از عهده پرداخت خراج برنیامده بود.

شاعر بی خانمان شده، موطن خود را ترک می کند و عصای غربت در دست گرفته برای یافتن فرزندش مناطق متعددی را می پیماید. بدرستی معلوم نیست که فریک در کجا متولد شده و در کجا وفات یافته است. چنین تصور می شود که وی در حین دوران غربت سالیان درازی را در شهر **هارکا** واقع در کیلیکیه گذرانده باشد.

از فریک میراث شایان توجه ادبی، نزدیک به ۵۰ قطعه شعر به ما رسیده است. آثار او بطور کلی بر علیه اوضاع اسفناک ناشی از یوغ مغولها و نظام فئودالی نوشته شده است. فریک با احساسی عمیق غم و درد مردم استثمار شده را موضوع اشعارش قرار داده، خشم و اعتراض آنها را با روحیه ای عالی بیان کرده است.

اشعار اخلاقی - نصیحتی فریک

آثار فریک مربوط به دو دوره میشود. در ابتدا وی با گلایه از اوضاع موجود به تصوف روی برده است. در این دوران اعتقاد به زندگی آخرت با سعادت پیوستن به وجود الهی در وی قوی است. او در یک رشته از اشعارش، موتیف های اساسی و قدیمی ادبیات تصوف را تکرار کرده است که پایه آن دنیا پوچ بوده انسانها نباید در مورد خوشی های ناپایدار فکر کنند، بلکه باید به نیکوکاری پرداخته، دعا کنند و جسمشان را در معرض محرومیت ها قرار دهند تا سرانجام به کسب سعادت نایل آیند.

طبیعی است که در این گونه آثار فریک اغلب با اظهارات شدید اعتراض ها بر علیه اوضاع موجود اجتماعی آن عصر روبرو شویم. وی در «شعری برای فریک» این عقیده را اظهار می دارد که اموات چیزی از این دنیا با خود نمی برند و در این رابطه خود کامگی و حرص و آز حیوانی ثروتمندان را عریان می سازد.

انعکاس شدیدتری از نفرت و انزجار او نسبت به ثروتمندان و اشرافیون که از عرق جبین زحمتکشان زندگی می کنند، در شعر «تفسیری جدید برای فریک» وجود دارد. وی زندگی عیاشانه اشرافیون را تصویر کرده تمام بزه کاری های آنان را نشان می دهد.

موتیف های سیاسی و اجتماعی در آثار فریک

موتیف های سیاسی و اعتراضی - اجتماعی در آثار دوره اول فریک در دوره دوم قوی تر می شود. او بطور عمیق از ایده های دنیای عینی دفاع می کند و زندگی پر سعادت و آرامش مردم را می خواهد در این دنیا ببیند، لذا بر یوغ مغولها و نظام فئودالی حمله کرده بی عدالتی این نظامها را نشان می دهد.

فریک در آثار مربوط به این دوره خود بعنوان شخصی وطن دوست و اومانیزم دمکرات ظاهر می گردد. او نه تنها در مورد مردم ارمنی بلکه برای سایر مردمان تفکر و اندیشه می کند. آثار دوره دوم فریک ماهیتا رئالیستی است و ارزش والایی از نظر شناخت و مفاهیم دارد. او در اشعارش توانسته است تعمیم های وسیعی صورت دهد. اوضاع تاریخی اواخر سده ۱۳ که در شعر «به ارغون خان و بوقا» تشریح شده است بسیر بحق و صحیح می باشد و چقدر نقد دوران سلطه مغولان در شعر «مطلبی واجب از فریک» شیدا و مبین حقایق است.

فریک همانقدر اوضاع زحمتکشان را عمیق و صمیمانه تشریح کرده که احساسات تمایلات و افکار آنها را توصیف نموده است. همان شعر نشان می دهد که فریک با اوضاع زمانه سر آشتی نداشت. در مناظره با فلک (سرنوشت) وی تمام بی عدالتی های موجود در زندگی را بیان می کند. او سرنوشت را «قاضی مغرض» می نامد، زیرا وی انسانها را با نظری متساوی نمی نگرد و زندگی ایشان را بر خلاف استحقاق و سزاواریشان اداره می کند. فلک نیز بنوبه خود بر شاعر غضبناک گردیده وی را پیرمرد نادان می نامد و می گوید: «نمی دانی که هر چه هست از خالق قادر متعال است...». همه چیز به خواست و میل خالق است. خودش نیز به میل او کار می کند بدین ترتیب فریک با اندیشه ای ظریف نام «قاضی مغرض» منتسب به فلک را به خالق نسبت می دهد.

در شعر «در باب طالع و برج فریک سراینده» او بار دیگر بر پدیده هایی که باعث تفکر و نگرانی وی می شد تاکید می کند او به هیچ وجه با شرایط مختلف افراد سازش ندارد بدین صورت که یک نفر پادشاه بوده و دیگری فقیری که بر روی خاکستر می خوابد، یکی با سعادت و خوشبختی به دوران پیری می رسد و دیگری در بند اسارت رنج می کشد. فریک اذعان دارد که وی مدتهای مدیدی برای یافتن پاسخ اینها صرف نموده است.

شاعر سده ۱۳، البته نمی توانست پاسخ مسائلی را که باعث رنج وی شده بود بیابد همین امر کافی است او نظام اجتماعی عصر خود را غیر عادلانه نامیده و نابرابری های اجتماعی موجود بین انسانها را غیر قابل تحمل می داند. این امر وی را در صف متفکرین مترقی زمان خود قرار می دهد.

شعر «مطلبی از کتاب فریک»

بهترین خطوط محتوایی آثار فریک در یکی از بهترین نوشته های آخر او یعنی «مطلبی از کتاب فریک» انعکاس جامع و کاملی یافته است که بدون شک به جمع مشهورترین یادگارهای فرهنگی ارمنی در سده های میانه تعلق دارد.

اثر «مطلبی از کتاب فریک» با گذر از "سرنوشت" مستقیماً خدا را به بحث دعوت می کند و صحت پیدایش بشری، افسانه آدم و حوا را در کتاب مقدس مورد شک و تردید قرار می دهد. او به این امر که گویا تمام انسانهای جهان از دو نفر منشا گرفته اند با طعنه و کنایه برخورد می کند. سپس با بر شمردن ملل گوناگون، فریک در مورد تفاوتهای موجود بین آنها تعجب می کند و بانگ اعتراض بر می آورد. او طرفدار بر قراری صلح و تساوی حقوق بین ملل است. او با در نظر گرفتن تصاویر زندگی آن عصر از بلاهای مستمری که از سوی حکام مغول بر سر مردم نازل می گردید از خدا می خواهد حساب پس دهد. اگر خدا "منصف و دادگستر" است، پس چرا اجازه این همه بی عدالتی ها را در کشور می دهد.

از این بیان فریک این نتیجه بیطرفانه حاصل می گردد که خدا "منصف و دادگستر" نیست. بدین ترتیب، فریک در برابر الهیات و فلسفه مسیحی قلم علم می کند زیرا بنابر اساس این فلسفه، ویژگی اساسی خدا منصف، مهربان، خیر و دادگستر بودن اوست، لذا این امر مطرح می گردد که نباید در برابر واقعیات شکوه و گلایه نمود و نباید اعتراض کرد، بلکه باید هم آهنگ و هم شکل گردید زیرا هر امری بنابه میل عادلانه خالق انجام می پذیرد چون تمام بدبختی هایی که گریبانگیر مردم می شود

قصاص "گناهان" آنهاست. این امر جهان بینی ارتجاعی استثمارگران فئودال بود. اهل کلیسا در عین حال بعنوان نماینده برجسته فئودالیتنه برای مطیع نگهداشتن زحمتکشان قرون متمادی این مطلب را تبلیغ می کرد.

فریک بعنوان یک دمکرات و بیان کننده خواستههای زحمتکشان، عقاید و جهان بینی ارتجاعی فئودالها را در بهترین آثار خود بی پروا مورد انتقاد قرار می دهد. او نه تنها در برابر یوغ مغول اعتراض می کند و آنرا بطور کلی غیر طبیعی می داند بلکه در مقابل روابط اجتماعی فئودالیتنه نیز قد علم می کند. فریک در تعدادی از اشعارش، نابرابری اقتصادی و حقوقی موجود بین انسانها را غیر عادلانه می داند. وی پس از تشریح اوضاع سیاسی مردم به اعتراض شدید خود در برابر خدا می پردازد. آثار فریک با تشریح عمیق واقعیات و تمایلات زحمتکشان، روح مبارزه و حق طلبی را در زحمتکشان بر علیه استثمارگران و ستمگران بیدار کرده است. این امر نیز منوط به ارزشها والا و مقبولیت عام بود.

فرهنگ ادبی فریک

شان و ارزش هنری آثار فریک نه تنها به این دلیل است که مملو از عقاید و ایده های مترقی و درک عمیق و واقعیت هاست بلکه آثار وی مختص به خود بوده از فصاحت عالی ریتم و موسیقی قوی و منظم برخوردار است. فریک برای مردم می نوشت، لذا لحن و زبان آنها را بکار برده و آثارش را به نحو ساده و واضح نگاشته است.

او عبارات و تشابهات بلیغ، پرمغز و متنوع فولکلور مردمی را که به وی امکان تشریح احساسات و افکار عمیق و غنی داده اند استادانه بکار گرفته است. بدین ترتیب وی برای بیان ترس و هراس ناشی از بدهی ها و قرضها، خود را با بید لرزان از وزش باد مقایسه می کنند. فریک با صحبت در این باره که وی تشنه کسب ثروت بوده و بدین دلیل جزا دیده است، وی را با شاهین تیز پرواز متشابه ساخته و افتخار می کند لیکن توسط یک ببر سرنگون می گردد. عبارات متعدد اغراق آمیز که واقعیات تاریخی، روح خروشان غزلسرایی شاعر، روحیه قوی، عظمت اندیشه ها و قدرت مبارزه طلبی را به نحو شگفت آوری قابل تجسم می سازند، به آثار فریک زیبایی فوق العاده ای می دهند.

فریک میزان های گوناگونی را مورد استفاده قرار داده است. او بیش از هر چیز هایرن **hayren** یا هایرن **hayeren** و نیز میزان شعری هشت و یازده سیلابی را می پسندید. اشعار هایرن **hayren** که از ۵ مصراع ۱۵ سیلابی و یا اغلب از ابیات هفت یا هشت سیلابی تشکیل می شوند دارای ریتم و آهنگ قوی هستند. فریک با همان استادی اشعاری با مصرع هشت یا یازده سیلابی نوشته است.

و بحق که چنین است. اگر فکر و روح شاعر شکوفا نگردد. زبان او نیز ثمره ای بیار نمی آورد. فریک اندیشه و روحی غنی و عمیق داشته زبانش ثمرات پر مغزی را خلق نموده است. فریک تاثیر عمیقی بر روی ادبیات دنیوی سده های بعد نهاده است. او یک نوآور بزرگ بود. بسیاری دیگر از او الهام گرفته و آموخته از پس از آثار فریک، اغلب با چنان اشعاری و نوشته هایی بر می خوریم که در آنها فئودالیسم مورد انتقاد قرار گرفته مسایل حاد اجتماعی عصر مطرح می گردد.